

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۷ فبروری ۲۰۱۷

برای محو گور خوابی، باید جمهوری اسلامی را به گور سپرد!

"سرما که باشد، برای آدم فرقی نمی کند کجا می خوابد. ما عذاب شب اول قبر را الان می بینیم..."، "تنها روزی یک نصفه نان گیرمان می آید"، "دیگر زمستان و تابستان را سر می کردیم"، "پلاستیک روی خودم می کشم و می خوابم"، "گشنه ام است، از صبح هیچی نخورده‌ام"، "این جا کسانی را داریم که ۱۰ سال است در همین قبرستان نصیرآباد زندگی می کنند، ما هیچ چیز نمی خواهیم، جز یک سرپناه، یک گرم خانه. در این مدت هم هیچ کس کاری به کار ما نداشت، نمی دانم چطور شد که یکهو به یاد ما افتادند و به جای کمک، ما را از قبرستان بیرون انداختند و..."

این اظهارات تکان دهنده که قلب هر انسان با وجدانی را به درد می آورد و نفرت آدمی علیه مسببین این فاجعه اجتماعی را بر می انگیزد، گوشه هائی از صحبت های گور خوابانی هستند که گسترش فزاینده تعداد آنان در شهرهای کشور، اکنون به یکی از پلیدترین و نفرت انگیزترین جلوه های حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری حاکم بر کشور ما تبدیل شده است. به راستی چگونه می توان تصور کرد که "قبر" های تنگ و تاریک واقع در یک گورستان که تمام داستان های هولناک و خوف انگیزی که آخوندهای حاکم و مروجان ارتجاع به گوش مردم می خوانند را نمایندگی می کنند، قبرهای وحشت انگیزی که به طور روزمره راجع به عذاب گذران در آن ها و زندگی بعد از مرگ و... به منظور حفظ حاکمیت استثمارگرانه در جامعه نشر می دهند، در رژیم جمهوری اسلامی به عامل زندگی بخش و مانع مرگ برای تضمین بقاء و تداوم زندگی گروهی از انسان های زنده همان جامعه تبدیل گشته است؟ این کدام شرایط مادی ست که گرسنگان را به استقبال از گورستان برده و از "قبر" های سرد و خالی مردگان برای زنده ها "خانه" و سرپناه می سازد؟ کدام شرایط مادی است که باعث شده تا فجایع اجتماعی نظیر "کودکان کار"، "کارتن خوابی" و بالاخره "گور خوابی" آن قدر گسترده شوند و قربانی بگیرند که حتی بزرگترین تبهکاران و دژخیمان طبقه استثمارگر حاکم که مرگ، کسب و کار روزمره شان است فریبکارانه به صحنه بیایند و همچون برخی از دیگر مقامات جمهوری اسلامی برای "گور خوابان" و قربانیان خویش اشک تمساح بریزند؟ بله! رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی چنان شرایط نکبت باری را در جامعه ایجاد کرده که آرامگاه مردگان هم به سرپناهی برای زندگان تبدیل شده است. نظامی که برای محرومان، آشیانه مردگان و زندگانش یکی ست.

به دنبال درج برخی گزارشات تکان دهنده در مورد برخی زوایای زندگی کارتن خواب ها و گور خواب ها در تهران در روزنامه "شهروند" و "شرق" که جراید وابسته به نظام هستند، بار دیگر سیمای یکی از کثیف ترین بیماری های

اجتماعی دست ساز جمهوری اسلامی به طور گسترده و رسمی در مقابل افکار عمومی به نمایش در آمد و خشم و نفرت افکار عمومی را برانگیخت. ابعاد عکس العمل اجتماعی در مقابل این رویداد در جامعه به گونه ای بود که باعث شد تا مقامات این رژیم نیز مجبور به موضع گیری در باره قبر خواب ها در جامعه شوند. به طور مثال در واکنش به خشم عمومی، رئیس جمهور رژیم، حسن روحانی با بیشرمی و فریبکاری ذاتی خویش ادعا کرد که گرچه در مورد "کارتن خواب" ها و یا "زیر پل خواب ها" شنیده بود اما در باره گور خوابی "کمتر" شنیده بود و چنین جلوه داد که گویا تازه الآن به بحران گور خوابی در ایران پی می برد! به دنبال این سخنرانی، "دستور" برخورد برای حل این مسأله به نهادهای ذی ربط داده شد و درست یک روز بعد چگونگی پاسخ دیکتاتوری حاکم به این معضل اجتماعی در مقابل همه به نمایش درآمد. مأمورین انتظامی و مزدوران جمهوری اسلامی به گور خواب های نصیر آباد وحشیانه حمله کردند، آن ها را مورد ضرب و شتم قرار داده و اندک وسایل شان نظیر پلاستیک ها و رو انداز های مندرس شان را نابود کرده و در شرایط سرمای کم سابقه، آن ها را از قبرها بیرون انداخته و در سرمای جانسوز زمستانی بار دیگر آواره شان ساختند. به موازات سرکوب وحشیانه گور خوابان، سایر مقامات مزدور و جیره خوار نیز یکی یکی به صحنه آمده و تمامی گور خواب ها را مثنی معتاد و ولگرد معرفی کردند که گویا از دریای نعمات و امکانات حکومتی مانند "گرم خانه" ها استفاده نمی کنند و خودشان ترجیح می دهند به جای یک بستر گرم و امن اهدائی حکومت (!!)) در قبرستان روزگار سپری کنند. در واقع رژیم جمهوری اسلامی طبق معمول نشان داد که برای مقابله با یک معضل اجتماعی راهی جز استفاده از چماق زور و زبان قهر نمی شناسد و به روش همیشگی خود در ۳۸ سال اخیر به جای حل مسأله تصمیم گرفت که صورت مسأله را پاک کند. این واقعیت را حتی خود قربانیان بی صدای گور خوابی نیز به خوبی می دانستند چرا که پس از کتک خوردن و جان به در بردن از حمله نیروهای سرکوب و از دست دادن همه چیز و حتی قبرهای شان دیگر حتی حاضر نبودند با گزارشگران روزنامه ها در باره اوضاع مرگبار خود صحبت کنند و می گفتند ما را رها کنید می دانستیم که با چاپ حرفهای مان این بلا به سرمان خواهد آمد!

واقعیت این است که به رغم ادعاهای رئیس جمهور فریبکار رژیم و سایر مقامات ریز و درشت جیره خوار جمهوری اسلامی در مورد عدم اذعان آن ها به وجود قبر خواب در ایران و یا معرفی و محدود کردن گور خواب ها به مثنی معتاد و ولگرد، پدیده گور خوابی نه یک پدیده خلق الساعه بلکه جزء جدائی ناپذیر حیات جمهوری اسلامی و نتیجه طبیعی انکشاف و بسط مناسبات استثمارگرانه ای است که این رژیم مدافع نظام سرمایه داری وابسته با چنگ و دندان از آن حفاظت کرده است. شاید بسیاری از مردم به یاد داشته باشند که در اوایل سال های ۲۰۰۰ فلم مستندی به نام "برهنه و باد" (ساخته نیما سروستانی) تهیه و پخش شد که سوژه آن زندگی فلاکت بار قبر خواب های شهر شیراز و مسأله اعتیاد و رابطه آن با فقر و بیکاری بود. این فلم از جمله توسط فعالان چریکهای فدائی خلق در لندن در تاریخ ۲ فروری ۲۰۰۵ به منظور انعکاس واقعیت های دهشتناک زندگی در زیر سیطره رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی نمایش داده شد. فلمی که به طور مستند از رشد پدیده فاجعه بار گور خوابی در جمهوری اسلامی، آن هم در یک دهه قبل خبر می داد. در نتیجه تمامی کسانی نظیر روحانی که ادعا می کنند در مورد گور خوابی کمتر شنیده و یا نشنیده اند، با چنین ادعائی تنها درجه ذاللت و فریبکاری خود را به نمایش می گذارند. در حقیقت امر روحانی به خوبی به یاد دارد که پدیده گور خوابی که گوشه ای از آن در شهر شیراز در فلم نیما سروستانی به تصویر درآمده بود اتفاقاً در اوج زمامداری یکی از همکیشان به اصطلاح معتدل و اصلاح طلب وی یعنی خاتمی فریبکار و دولت هفتم و هشتم اصلاحات در سطحی اجتماعی به سرعت رشد می کرد. در نتیجه ادعای "کمتر" شنیدن و یا ندیدن پدیده گور خوابی در جامعه ناشی از کوری و مصلحتی تبهکارانی نظیر سردمداران جمهوری اسلامی ست که خود از مسببین چنین

وضع فلاکت باری برای توده های محروم می باشند. روحانی و کلیت رژیم ننگ و جنایت جمهوری اسلامی با حفاظت از نظام سرمایه داری وابسته ایران و مناسبات استثمارگرانه ای که گورخوابی و دیگر پدیده های دردآور اجتماعی از محصولات آن می باشد، با تحمیل فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی و گرسنگی به توده های محروم چنین وضعی را موجب شده اند و آن ها هستند که هر گونه ندای اعتراض به چنین اوضاع دهشتناک استثمارگرانه را با نیروی قهر و سرکوب پاسخ داده و می دهند.

گورخوابی محصول مستقیم شرایط مادی ایست که نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و رژیم مدافع آن برای مردم ما به وجود آورده است. در شرایطی که جمهوری اسلامی با تشدید غارت و استثمار کارگران و توده های محروم به طور روزمره بر بار وحشتناک فقر و بیکاری آنان می افزاید و به قیمت پر کردن جیب سرمایه داران و دزدان حاکم تعداد هر چه بیشتری از خانواده های زحمتکش را از هم پاشانده و آن ها را به مرداب گرسنگی و بی خانمانی، دزدی و فحشاء و اعتیاد سوق می دهد، در شرایطی که تمامی منابع اقتصادی و امکانات رفاهی جامعه در خدمت کشیدن شیرۀ جان کارگران و زحمتکشان و غارت سفرۀ محرومان و سرازیر کردن عواید آن به جیب سرمایه داران حاکم و اربابان جهانی آن هاست، در شرایطی که سیستم ضد خلقی اداره جامعه فاقد کمترین مکانیزم های مؤثر تأمین اجتماعی برای جلوگیری از بیکاری و گرسنگی و مرگ محرومان و فقر است، در چنین شرایطی رشد گسترده بلایای اجتماعی نظیر تکدی، کارتن خوابی و قبر خوابی امری غیر قابل اجتناب است.

آری، در جامعه تحت سلطه ای که چرخ اقتصاد وابسته آن با مدیریت جمهوری اسلامی در چارچوب برنامه های دیکته شده توسط بزرگترین جهانخواران بین المللی و مؤسسات آن ها نظیر بانک جهانی و صندوق بین المللی می چرخد و زیر نام "گسترش تجارت آزاد" و "خصوصی سازی" مورد نیاز برای "رشد اقتصادی" سرمایه داران حاکم هر روز بر انبوه توده های فقر می افزاید، در جامعه ای که به خاطر غارت امپریالیست ها و سرمایه داران وابسته به رغم تمامی امکانات و منابع و ثروت هایش بیش از نیمی از مردم در زیر خط فقر زندگی می کنند و گروهی نیز در حاشیه "خط بقاء" و "خط فناء" به سر می برند، در جامعه تحت سلطه ای که در شرایط تشدید بحران اقتصادی هر روز هزاران کارگر و کارمندش بدون تقبل کمترین مسؤلیتی با ۲۳ ماه حقوق معوقه از سوی سرمایه داران و کارفرمایان و حکومت آن ها از کار اخراج شده و به ارتش میلیونی ذخیره کار می پیوندند، در جامعه ای که سن فحشاء برای سیر کردن شکم به سطح نوجوانان و کودکان ۱۲ - ۱۰ ساله سقوط کرده، در جامعه ای که حداقل دستمزد کارگران حتی کفاف پرداخت یک ماه اجاره مسکن را نمی دهد، در جامعه ای که تبلیغ فروش خون و کلیه و چشم و سایر اعضای بدن برای سیر کردن شکم بر دیوارهای شهرهایش به یک پدیده عادی تبدیل شده، در جامعه ای که یک پنجم جمعیت یعنی حدود ۱۵ میلیون نفرش حاشیه نشین و فاقد داشتن یک سرپناه دائمی هستند، و بالاخره در جامعه ای که حداقل سیستم های تأمین اجتماعی دولتی نظیر کمک هزینه برای مستمندان و فقراء و یا یارانه های غذایی، از سوی دزدان و غارتگران حاکم یا به وسیله ای برای دزدی بیشتر و یا عامل دست و پاگیری که باید نادیده گرفته شود تبدیل گشته، آیا ظهور و رشد سرطان وار کارتن خوابی و گورخوابی اجتناب ناپذیر نیست؟

مارش گورخوابان در قبرستان های جمهوری اسلامی در شرایطی قلب هر انسان آزاده ای را به لرزه در آورده که ثروت مشتی از سرمایه داران زالو صفت و آقازاده های دزد و استثمارگر حاکم به برکت بقای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی سر به ثریا می زند. وضعیت و سرنوشت دردناک گورخوابان نصیر آباد، آن روی دیگر سکه نفرت انگیز ماشین غارت و ثروت اندوزی طبقه زالو صفت حاکم است. گورخوابان قربانیان بی صدای اختلاس های نجومی مافیای قدرت، قربانیان حقوق های میلیاردی گروه اندکی از سرمایه داران و مدیران حاکم، و در یک کلام قربانیان

سیاست های ضد خلقی جمهوری اسلامی از جمله ریختن میلیاردها دالر از منابع کشور به تنور جنگ های امپریالیستی در منطقه هستند.

در حقیقت برملا شدن وضعیت دهشتناک زندگی گورخوابان نصیر آباد تهران که برای چند روز در صدر اخبار قرار گرفت، تنها گوشه ای از ماهیت ضد خلقی نظام سرمایه داری وابسته حاکم و نتایج مرگبار حفظ و صیانت از این نظام توسط جمهوری اسلامی و سرمایه داران زالو صفت حاکم در جامعه ما را به نمایش گذارد.

عامل اصلی ظهور و رشد وحشتناک پدیده های فاجعه بار اجتماعی نظیر کودکان کار، فحشاء، کلیه فروشی، کارتن خوابی و بالاخره گورخوابی بی خانمانی که به گورستان ها جهت حفظ جان خویش و یک سر پناه روی آورده اند، نظام سرمایه داری حاکم است که حاکمیت جنایت کارانه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در طول ۳۸ سال اخیر با اعمال جنایت کارانه ترین روش ها به حفظ و حراست از آن برخاسته و این واقعیت را در تمامی شؤون حیات اجتماعی توده های تحت ستم ما به نمایش گذارده است. در نتیجه برای از بین بردن فجایعی نظیر گور خوابی هیچ راهی به جز برانداختن این نظام سرکوبگر و مولد فقر و گرسنگی و بی خانمانی و به گور سپردن جمهوری اسلامی نیست.

گورستان تاریخ ، تنها جایگاه شایسته نظام استثمارگران و حافظان و مدافعان آن است.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۱۱ ، دی ماه ۱۳۹۵